

## متن پرسش

با سلام و آرزوی خیر کثیر ۱. برخی دوستان با توجه به مسائل مطرح شده از طرف شما و مبانی فکری که بشما نسبت می دهند از "حاکم شدن حکم خدا در کل حیات بشر" استنباطهای خاصی میکنند. آیا این "حکم خدا" چیزی غیر از فقه -نه به معنای اصطلاحی اکتونی که شیخ فقه است- که در بردارنده تمام ۱. نیازها و ۲. معارف جویی ها و ۳. خط دهی ها است میباشد و یا از نظر جنابعالی فلسفه و عرفان نیز بعنوان غایت مطرح هستند. ۲. خانواده من مذهبی نیستند اما من بنا به آشنایی با ائمه و رسول خدا میخواهم با دین زندگی کنم. با این اوصاف شرایط بسیار سخت است. چه کنم؟؟

## متن پاسخ

باسمه تعالی علیکم السلام ۱- بنده معتقدم فقهای گرام هستند که حکم خدا را در امور عملی برای مکلف روشن می کنند و انسان یا باید خودش فقیه باشد و یا مقلد باشد تا مطابق حکم خدا عمل کند. آنچه علمای دین مطرح می نمایند: فقه اکبر و فقه اوسط و فقه اصغر است؛ که اولی را عقاید حقه و دومی را اخلاق فاضله و سومی را اصول عملیه می گویند. فلسفه به خودی خود غایت دینداری نیست، منتها یکی از انواع فکر است که می توانیم در فهم دین از آن استفاده کنیم به شرطی که مواظب باشیم حجاب فهم دین نشود که در کتاب «آنگاه که فعالیت های فرهنگی پوچ می شود» به آن پرداخته شده. در مورد عرفان اگر منظور شما عرفان نظری باشد باز ممکن است حجاب انسان شود، هرچند در فهم منظور دین کمک کار خوبی است، و اگر عرفان به معنی شناخت اسماء و صفات الهی باشد آری مقصد دین معرفت الله است. ۲- در سؤال شماره ۳۲۷ تا حدی جواب جنابعالی داده شده، ولی در هر صورت با خانواده درگیر نشوید و احترام آنها را نگه دارید. موفق باشید